

# فرهنگ‌نامه

نشریه دبیرستان فرهنگ

شماره سوم - آبان ماه ۱۴۰۴



سروش درخشان

افلاطون فلسفه است و فلسفه افلاطون



سهیل جابری انصاری

کافه گفتگو: آزادی و برابری؛ آیا این دو دوست یا دشمن اند؟



محمد صدرا قاسمی

تفسیر اشعاری منتخب از شعرای محترم ادبیات فارسی  
و مطالبی پیرامون آنها



سینا نوری

موج نوی سینمای ایران / طراح گرافیک



رهام لاجینی

تاریخ موسیقی در ایران



سهیل جابری انصاری

کافه گفتگو: ساعت ما را منظم کرد یا زندانی؟



آرتین مختاری

نقش تعیین کننده محیط در تبلور اخلاق و  
استعدادهای



سپهر گل محمدی

تاریخچه حقوق در ایران



مهدی حیدری

صبر حضرت زینب (س) از دیدگاه قرآن



مانی رضایی

تأثیر اقتصادی مکانیزم ماشه بر فروش نفت ایران



۴

۵

۶

۷

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

## معرفی کتاب: ایستگاه خیابان روزولت

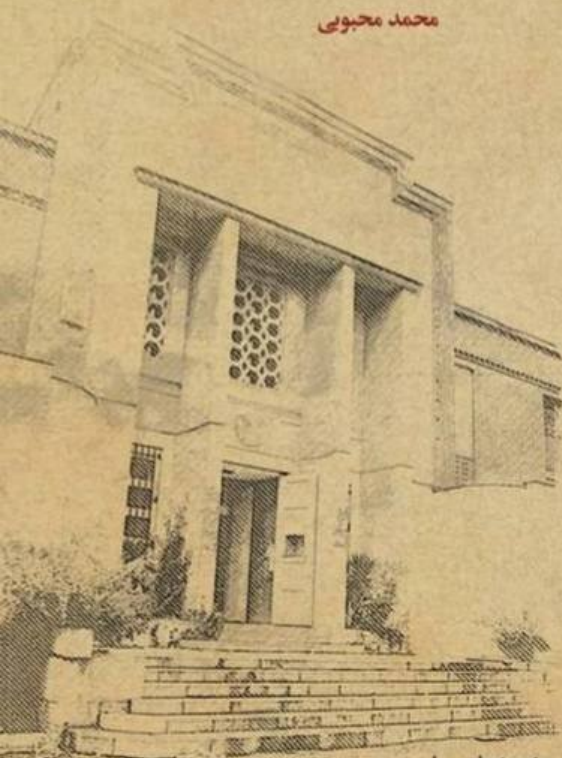
در سیزدهم آبان، روز استکبارستیزی و یوم‌الله غرورآفرین تسخیر لانه جاسوسی، با قامتی استوار و قلبی مالا مال از عشق به انقلاب، بیانیه ماندگار «ما می‌توانیم» را یکبار دیگر فریاد می‌زنیم. در این مسیر پرفروغ، آشنایی با ریشه‌های انقلاب و خاطرات شیرین مردان و زنان آن، چراغی فراروی نسل نو است. کتاب «ایستگاه خیابان روزولت»، روایتی داستانی و جذاب از خاطرات نوجوانی رهبر معظم انقلاب اسلامی است که در بستر حوادث دهه پرتهاپ ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ می‌گذرد.

این اثر، تصویری ملموس و تأثیرگذار از نخستین جرقه‌های مبارزه با استکبار جهانی را در ذهن یک نوجوان مصمم ترسیم می‌کند و خواننده را با خود به دل تاریخ پرفرازونشیب ایران میبرد. مطالعه این کتاب، نه تنها سفری به گذشته، بلکه درسی عمیق از عزم راسخ و ایمان ناب برای ساختن فردایی روشن است.

## ایستگاه خیابان روزولت

روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران

محمد محبوبی



## افلاطون فلسفه است و فلسفه افلاطون

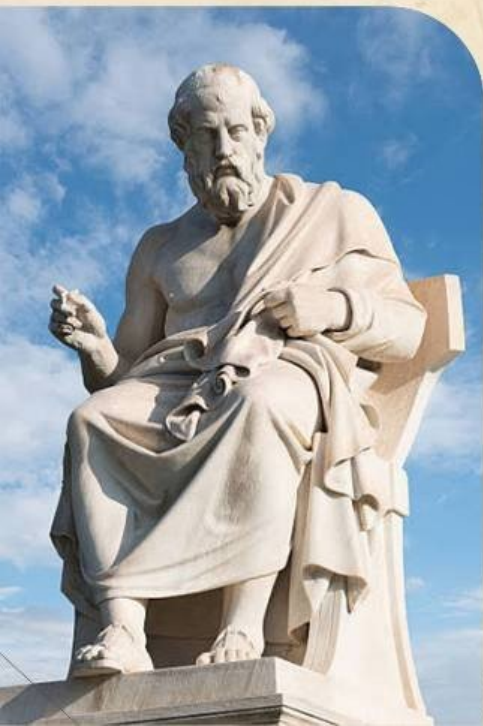
بعد از سقراط در مقاله‌ی قبلی این بار به سراغ افلاطون، مهم‌ترین شاگرد او می‌رویم. او نخستین فیلسوفی است که کوشید برای همه‌ی ساحت‌های زندگی انسان، از شناخت تا سیاست، بنیان‌هایی واحد و عقلانی بیابد. فلسفه‌ی او تلاشی است برای کشف جهانی پایدار در پس جهان متغیر، جهانی که عقل به آن راه دارد، نه حواس.

افلاطون فیلسوفی است که آثار مکتوب اش را تماماً به شکل محاوره (دیالوگ) نوشت، برای مجالس خود در آکادمی و استفاده‌ی عموم. این محاورات را میتوان در کنار فلسفی بودن، در زمره‌ی آثار هنری دانست. (حین مطالعه این آثار، شما حس خواندن یک نمایشنامه را دارید).

در دوره‌هایی که سقراط و افلاطون می‌زیستند، نظام فکری آتن تماماً تحت تاثیر نظرات سوفیست‌ها بود؛ برای مثال سوفیست‌ها باور داشتند ذهن انسان هنگام تولد خالی است و عقاید ما دربارهی درست و نادرست تماماً از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم حاصل می‌شود. سقراط و افلاطون سخت با این گونه تفکرات مخالف بودند و کوشیدند آرای ایشان را ابطال کنند. برای مثال استدلال کردند که دانش راستین در درون نفس ما پنهان است و باید با روش دیالکتیک، حقیقت را از نفس بیرون کشید. روش دیالکتیک اهمیت دارد، زیرا ذهن را به فراسوی جهان طبیعی دگرگون شونده، به اصول ابدی تغییر ناپذیر و حقیقی راهنمایی میکند. افلاطون ذهن را تشویق میکرد که با اصول حقیقت و زیبایی و نیکی در وجود قبلی خود، یعنی قبل از این وجود زمینی و جسمانی، آشنا شود. از نظر افلاطون نفس سه جز دارد: عقل و شهود (جز عقلانی)، شور و اراده (جز ناعقلانی)، امیال و شهوت (جز عقل ستیز). عقل و شهود، جویای هدف راستین زندگی انسان از طریق دیدن چیزها مطابق حقیقت آنها است.

شور و امیال اما به دنبال لذات دنیوی هستند که می‌توانند عقل و شهود را به گمراهی و به این اعتقاد بکشانند که لذات دنیوی برای ما سعادت می‌آورند؛ در حالی که برعکس موجب بدبختی ما است اگر فکر کنیم لذات جسمانی مهم‌تر از پرداختن به نفس هستند. همچنین افلاطون باور داشت نفس پیش از ورود به جسم وجود داشته و بعد از مرگ جسمی نیز به هستی خود ادامه می‌دهد.

در مرکز نظام افلاطون تمایز میان عالم محسوس و عالم معقول قرار دارد. یکی از مهم‌ترین تمثیل‌های افلاطون که ریشه‌ی تمام فلسفه او در آن است، تمثیل غار است: تمام افراد بشر در آغاز در یک غار محبوس‌اند و به علت جهل و نادانی به زنجیر بسته شده‌اند و فقط می‌توانند سایه‌های اشیا را که بر دیواره‌ی غار افتاده است را مشاهده کنند، که آن سایه‌ها معلول حرکت اشیا در مقابل آتش هستند. عالم واقعی و حقیقی در خارج از غار قرار دارد و شامل نمونه‌هایی است که اشیا تقلیدی از آن به شمار می‌روند و در ورای همه اینها اصل خیر مطلق قرار دارد که او آنرا خالق همه‌ی اشیا زیبا و درست و سرچشمه‌ی عقل و حقیقت در عالم معقول می‌داند و نظیر آن نور خورشید است (تمثیل خورشید). و انسان مکلف است خود را از زنجیرها آزاد کند و به قدرت فهم و توسعه‌ی آن از این غار خارج شود.



جان (طرفدار آزادی / لیبرالیسم): جامعه باید مثل یک مسابقه دو باشد. هر فرد حق دارد با تمام توان خود و بدون دخالت ناظر بدود. تلاش بیشتر، پاداش بیشتر! مهم‌ترین ارزش، آزادی فردی و حق مالکیت اوست. هنری (طرفدار برابری / سوسیالیسم): آقای جان، وقتی یکی با کفش‌های پاره و یکی با کفش‌های ورزشی گران‌قیمت می‌دود، این یک مسابقه‌ی عادلانه نیست! آزادی بدون نان و فرصت چه ارزشی دارد؟ ناظر باید مطمئن شود که هیچ‌کس از ابتدا عقب نمی‌ماند. مهم‌ترین ارزش، فرصت برابر برای همه است.

جان: اما اگر ناظر بیش از حد دخالت کند و همه چیز را تقسیم کند، انگیزه برای نوآوری، تولید ثروت و تلاش سخت از بین می‌رود. منبع ثروت جامعه، نوغ و ریسک‌پذیری افرادی مثل من است که با آزادی کار می‌کنند.

هنری: شما از ریسک‌پذیری حرف می‌زنید، اما در واقع از بهره‌کشی از کارگران. اگر کارگر کار نکند، ثروت شما از کجا می‌آید؟ ثروت باید توسط همه تولید و برای مصالح جمعی هزینه شود، نه اینکه در جیب یک اقلیت جمع شود.

جان: من هرگز نمی‌گویم ناظر نباید کمک کند، اما کمک باید حداقل باشد. اگر همه چیز مجانی باشد، افراد تنبل و وابسته می‌شوند. بگذارید بازار تصمیم بگیرد، نه قوانین دستوری ناظر کوچک، بهترین ناظر است.

هنری: من هم نمی‌گویم همه چیز مجانی باشد، اما منابع ضروری مثل آموزش، بهداشت و مسکن باید تضمین شوند. جامعه‌ای قوی است که عدالت اجتماعی در آن حاکم باشد و فاصله طبقاتی مردم را از هم جدا نکند. همه در تولید نقش دارند، پس همه باید سهمی آبرومند داشته باشند.

خلاصه کلام:

این دو نگاه، دو روی یک سکه‌ی ساختار اجتماعی‌اند. لیبرالیسم (جان) ریشه‌ی رشد اقتصادی، نوآوری و حقوق فردی است، و سوسیالیسم (هنری) ریشه‌ی عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و جلوگیری از فقر گسترده است.

بحث اصلی اینجاست: چقدر آزادی بدهیم و چقدر برابری بگیریم؟

افلاطون به سیاست هم پرداخته؛ هنگامی که عقل فرمانروایی کند، اراده فرمانبر او باشد و میل در حد خود بماند، عدالت در نفس پدید می‌آید، همین ساختار در جامعه نیز بازتاب می‌یابد: فیلسوفان (عقل)، پاسداران (اراده)، و تولیدکنندگان (میل). به همین سبب، در جمهوری، افلاطون عدالت را «هماهنگی درونی میان اجزا» می‌داند، نه صرفاً یک قانون بیرونی. دولت آرمانی افلاطون بر پایه‌ی همین نظم درونی بنا می‌شود و در آن، زمام‌داران باید فیلسوف باشند، زیرا تنها آنان می‌توانند با شناخت «نیکی» جامعه را به سوی خیر واقعی هدایت کنند. حکومت مد نظر او نوعی اشراف سالاری (آریستوکراسی) است، چرا که عامه‌ی مردم، خیر حقیقی را نمی‌شناسند.

همانطور که ذکر شد آثار افلاطون جنبه هنری دارند اما او خودش نسبت به هنر رویکردی انتقادی دارد. از دید او، هنرمند تنها از جهان محسوس تقلید می‌کند، و از آنجا که خود محسوسات نیز سایه‌ای از حقیقت‌اند، اثر هنری «تقلید تقلید» است. او در آرمان شهرش شاعران را از شهر می‌راند، زیرا هنر می‌تواند احساس را بر عقل چیره کند.

بدین گونه، افلاطون فلسفه را به پیروی از سقراط از بحثی زمینی به سیر و صعودی روحانی بدل کرد و به یکی از ستون‌های محکم و بزرگ تالار فلسفه تبدیل شد، در حدی که رالف والدو امرسون، فیلسوف قرن نوزدهمی گفت: «افلاطون فلسفه است و فلسفه افلاطون».

- سروش درخشان -

## کافه گفتگو: سفر به گذشته‌ی مفاهیم

آزادی و برابری؛ آیا این دو دوست یا دشمن‌اند؟

همه ما بارها کلمات لیبرالیسم و سوسیالیسم را شنیده ایم. اما ریشه این مفاهیم عمیقاً در دو نیاز اساسی انسان‌هاست: آزادی و برابری. برای فهم عمیق‌تر، به عقب برمی‌گردیم، جایی که دو دوست فرضی، بحثی روزمره را آغاز می‌کنند.

(این گفتگو در قرن ۱۹ م در یک کافه قدیمی لندن در جریان است...)

## تفسیر اشعاری منتخب از شعری محترم ادبیات فارسی و مطالب پیرامون آنها

شعر فارسی باید گفت، در جهان فعلی و در طول تاریخی دراز که سپری شده است، بی همتا و بی مانند تلقی می شود. تفهیم این گونه از ادبیات، خواهان تفکر، تمرکز مضاعف و همچنین دقیق شدن در سخنان شاعر و الا قدر است. مصابرت و ژرف اندیشی، هنگامی مبرم باید باشد، که شعر از عباراتی غریب در لغت، و مواردی پیروی می کند که خواهان ملاحظه و مکاشفه ای افزون تر است. در امتداد این نوشتار، به ابیاتی مرغوب و ژرف، از شاعرانی نامدار می پردازم که نیازمند تدبیر و درنگ به منظور تفهیم خالص و مروق هستند. توصیف عشق، از زبان حافظ را آغازگر قرار می دهم که در ابیات غنایی، والاترین است.

عقل و جان کو هر هستی به شمار افتاند

گر، به نزهتگاه ارواح برد بوی تو باد

خواجه حافظ شیرازی در این بیت، توصیفی شگرف و دلپذیر، از معشوق به میان می آورد که بی مانند است. این طور تعبیر میشود که: اگر باد، رایحه خوشبوی تو را به نزهتگاه ارواح (بهشت) ببرد، عقل و جان و هستی خودشان را در برابر بوی تو فدا می کنند تا از بوی خوش تو بهره مند و شیدا شوند. توصیفات غنایی از گفتار حافظ بی گمان بی همتاست.

در امتداد، بیتی از نئی نامه مولانا را تاویل می کنم که سرتاسر پند است و خواهان ژرف اندیشی که قبل تر عنوان شد.

هر که جز مای ز آبش سیر شد هر که بی روزیست روزش دیر شد

در اینجا معرفت در میان است؛ چنان که باید گفت: همه کس، جز ماهی از عشق و غوطه خوردن در دریایی که از آن به معرفت تعبیر می شود، سیر می شوند. و آن کسی که در راه طلب، ملول و خسته

شود، از عشق بی نصیب و بهره می ماند. از این بیت یک اذعان و یک پند حکیمانه و ابدی به دست می آید، بدین منظور که چنین پندی در تمام ادوار تاریخ، ارزشمند و رهنما است و مولوی آن را به لایق و فایق ترین صورت ممکن بیان کرده است که بی گمان مستحسن است.

معقول است اگر در ادامه، بیتی از قالب نو، در همین مضامین ارزنده بیان و ذکر شود که حسن ختام این نوشتار است.

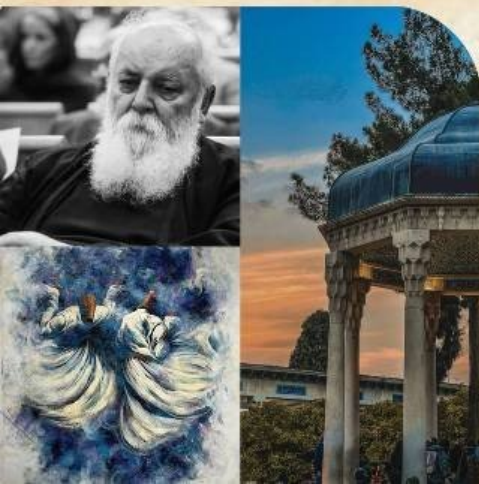
برداشت آسمان را، چون کاسه ای کبود؛  
و صبح سرخ را، لاجرمه سر کشید  
آسمان

خورشید در تمام وجودش طلوع کرد

در این بیت از یادگار خون سرو، هوشنگ ابتهاج (سایه)، همچنان توصیفات و ذوق و ترکیب سازی دلکشی در جریان است که وصفی است استادانه، از جانب شاعری که توصیفات او در شعر نو و همچنین کهن، بسیار دل انگیز است و در کنار سهراب سپهری و اخوان ثالث، نقشی خطیر و اساسی را ایفا می کند.

بلا شک، گستره ادبیات فارسی، آفاقی است عظیم و نیازمند و خواهان تعامل و تدبیر هر چه فزون تر، در جای جای آن، در تمام ابیات و تار و پود آنها و عشق و علاقه ای را می طلبد که ملولیت نمی شناسد.

بخش کوچک و ناچیزی از این گستره کلان و ارزنده، در این نوشتار بیان شد و آرزو مند مفید و مورد قبول واقع شده باشد.



## تاریخ موسیقی در ایران

موسیقی در ایران، پیشینه‌های بسیار کهن دارد و از نخستین تمدن‌های فلات ایران تاکنون، همواره بخشی از زندگی و فرهنگ مردم بوده است. در آثار باستانی مانند نقش برجسته‌های تخت جمشید و شوش، تصویر نوازندگان و سازهایی چون چنگ و نی دیده می‌شود که نشان می‌دهد ایرانیان از هزاران سال پیش با هنر موسیقی آشنا بوده‌اند.

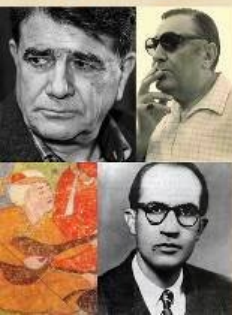
در دوران هخامنشی و اشکانی، موسیقی بیشتر در آیین‌های مذهبی و جشن‌های درباری جایگاه داشت. در زمان ساسانیان، موسیقی شکوهی تازه یافت و نوازندگان بزرگی مانند باربد، نکبسا و رامتین پدید آمدند. گفته می‌شود باربد برای هر روز هفته، نغمه‌های ویژه می‌ساخت و نظامی از «سی لحن» را پایه‌گذاری کرده که بعدها الهام‌بخش موسیقی دانان ایرانی شد.

پس از ورود اسلام به ایران، موسیقی با وجود محدودیت‌های دینی، در دربارها و میان مردم ادامه یافت. در دوره‌های عباسیان و سامانیان، دانشمندان ایرانی چون فارابی و ابن سینا نظریه‌هایی درباره‌ی موسیقی و دستگاه‌ها نوشتند و نقش مهمی در گسترش دانش موسیقی در جهان اسلام داشتند.

در قرون بعد، موسیقی ایرانی با نظام دستگاهی شکل گرفت؛ مجموعه‌ای از نغمه‌ها و گوشه‌ها که هنوز هم اساس موسیقی سنتی ایران را تشکیل می‌دهد. نام‌هایی چون دستگاه شور، ماهور، همایون و نوا از همان دوران تا امروز باقی مانده‌اند.

در دوران معاصر، با ورود سازهای غربی و شکل‌گیری موسیقی رادیویی، موسیقی ایران وارد مرحله‌های تازه شد. هنرمندانی مانند علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، غلامحسین بنان، و محمدرضا شجریان، پلی میان سنت و نوگرایی زدند و موسیقی ایرانی را به جهان‌شناسانند.

امروزه موسیقی در ایران به شاخه‌های گوناگونی مانند موسیقی سنتی، پاپ، محلی و تلفیقی تقسیم شده است، اما ریشه‌های همه‌ی آنها در همان نغمه‌های کهن و احساس ایرانی نهفته است؛ احساسی که قرن‌هاست در جان این سرزمین می‌نوازد.



## موج نوی سینمای ایران

تا پیش از دهه ۱۳۴۰ اکثر فیلم‌های سینمایی ایران صرفاً هویتی تجاری و تفریحی داشتند که به آنها "فیلم فارسی" گفته می‌شد. داستان‌های آنها اغلب سطحی، کلیشه‌ای و فاقد مفاهیم عمیق بود و با واقعیت اجتماعی ایران تفاوت بسیار داشت.

در اواخر دهه ۳۰ و ۴۰ با گسترش و رشد فرهنگی و ادبی، سینماگران جدیدی به عرصه آمدند که موج نوی سینمای ایران را بنیان نهادند. ویژگی‌های اصلی موج نو عبارت است از واقع‌گرایی اجتماعی، زبان استعاری و نمادین، پرسش‌های فلسفی و وجودی، تأثیرپذیری از ادبیات مدرن ایران و...

فیلم "گاو" و "پستچی" از داریوش مهرجویی، "خشت و آینه" از ابراهیم گلستان، "شب غوزی" از فرخ غفاری و "رگبار" از بهرام بیضایی برخی از آثار شاخص و مهم این دوره هستند.

بعد از انقلاب اسلامی در طی تغییرات اجتماعی نسل جدیدی از سینماگران ظهور کردند که ویژگی‌هایی نظیر انسان‌محوری و اخلاق‌گرایی، قرار دادن کودک به عنوان قهرمان و استفاده از طبیعت به عنوان عنصر معنوی در فیلم‌هایشان نمایان بود. این دوره نیز موج نوی دوم شناخته شد.

از فیلم‌های این دوره می‌توان به "طعم گلاس" و "خانه دوست کجاست" از عباس کیارستمی، "سلام سینما" و "نون و گلدون" از محسن مخملباف و "بچه‌های آسمان" از مجید مجیدی اشاره کرد. در دهه ۷۰ و ۸۰ فیلم‌سازان توانستند در جشنواره‌های جهانی جوایز بزرگی کسب کنند و سینمای ایرانی را در عرصه جهانی معرفی کنند.



زندگی از یک جریان به یک جدول زمان بندی تبدیل شد که باید پُر شود.

جان:

چرا این برای یک دانش آموز مهم است؟  
آقای زمان:

برای اینکه برنامه‌ی درسی، زنگ تفریح و ساعات مدرسه‌ی شما مستقیماً از دل همین انقلاب ساعت بیرون آمده است. شما به دلیل ساعت می‌دانید که دقیقه‌ی ۴ دقیقه برای ریاضی وقت دارید و نه بیشتر. ساعت به جامعه یاد داد که تلاش را بر اساس زمان سپری شده بسنجد، نه صرفاً بر اساس نتیجه.

## کافه گفتگو: سفر به گذشته‌ی مفاهیم

ساعت: آیا ما را منظم کرد یا زندانی؟  
همه ما برده‌ی ساعت هستیم؛ زنگ بیدارباش، شروع کلاس، زمان امتحان. اما چه کسی زمان را «اختراع» کرد و این ابزار چگونه تمام زندگی ما را تغییر داد؟ برای پاسخ، به قلب قرون وسطی و گفتگوی بین آقای زمان و جان می‌رویم.  
(مکان نامعلوم. شما فکر میکنید کجاست؟)

جان:

آقای زمان، قبل از اختراع ساعت‌های مکانیکی، مردم چگونه زمان بندی می‌کردند؟ آیا آن موقع هم سر وقت به مدرسه می‌رسیدند؟

آقای زمان:

قبل از ساعت، مردم زمان را با طبیعت می‌سنجیدند: با طلوع و غروب خورشید، صدای خروس یا تغییر سایه‌ها. زمان، جریان داشت، نه یک خط کش دقیق. خبری از "سروقت" نبود! مردم با توجه به کار و نور روز، فعالیت می‌کردند.

جان:

پس ساعت چه چیزی را تغییر داد؟ چگونه یک ابزار مکانیکی به ما نظم داد؟

آقای زمان:

نیاز به ساعت از کلیساها و کارخانه‌ها آمد. کلیساها می‌خواستند زمان دقیق نماز را تعیین کنند. کارخانه‌ها می‌خواستند بدانند کارگر چند دقیقه کار کرده تا حقوق دقیق او را بدهند. با ساعت، زمان تبدیل شد به یک کالای قابل اندازه‌گیری و تقسیم. این یعنی سرمایه‌داری و بوروکراسی متولد شدند.

جان:

پس ساعت فقط نظم نیاورد، بلکه به نوعی، کنترل هم آورد؟

آقای زمان:

دقیقاً. فیلسوف‌ها می‌گویند ساعت مفهوم وقت تلف شده را ایجاد کرد. قبل از آن، لحظات، فقط لحظه بودند. اما با ساعت، هر دقیقه که کار نکنی یا کاری مفید انجام ندهی، یعنی "وقت تلف کرده‌ای".

## نقش تعیین کننده محیط در تبلور اخلاق و استعدادها

نسان موجودی پیچیده و محصول تعامل دائمی میان وراثت (طبیعت) و محیط (تربیت) است. در حالی که ژنتیک طرح اولیه و مجموعه‌ای از پتانسیل‌ها و گرایش‌ها را فراهم می‌کند، این محیط است که به عنوان معمار، تعیین می‌کند کدام بخش از این طرح ساخته شود، کدام ویژگی تقویت گردد و کدام استعداد به شکوفایی برسد. عوامل محیطی نقشی انکارناپذیر در شکل‌گیری ویژگی‌های اخلاقی و همچنین فعال‌سازی یا سرکوب استعدادهای ذاتی افراد دارند.

اساسی‌ترین و اولین محیطی که فرد تجربه می‌کند، خانواده است. خانواده شالوده شخصیت اخلاقی کودک را پی‌ریزی می‌کند. الگوهای فرزندپروری، ارزش‌هایی که والدین به آن‌ها پایبند هستند و فضایی عاطفی حاکم بر خانه، مستقیماً بر درک کودک از مفاهیمی چون صداقت، همدلی، مسئولیت‌پذیری و عدالت تأثیر می‌گذارد. کودکی که در محیطی مبتنی بر احترام متقابل و صداقت رشد می‌کند، به احتمال زیاد این ویژگی‌ها را درونی خواهد کرد. برعکس، محیط‌های پرتنش، آشفته یا خانواده‌هایی که در آن‌ها الگوهای رفتاری غیراخلاقی (مانند دروغ‌گویی یا پرخاشگری) مشاهده می‌شود، می‌توانند بذریعۀ اعتمادی و ناهنجاری‌های اخلاقی را در فرد بکارند. خانواده نه تنها از طریق آموزش مستقیم، بلکه مهم‌تر از آن، از طریق «الگوبرداری» ناخودآگاه، اخلاقیات را منتقل می‌کند.

پس از خانواده، نظام آموزشی و گروه همسالان وارد عمل می‌شوند. مدرسه صرفاً محل انتقال دانش نیست؛ بلکه یک کارگاه اجتماعی برای تمرین تعاملات و اخلاقیات است. «برنامه درسی پنهان» مدرسه — یعنی قوانینی که اجرا می‌کند، نحوه برخورد معلمان با دانش‌آموزان و فرهنگ حاکم بر آن — به فرد می‌آموزد که چگونه با قدرت، رقابت و همکاری کنار بیاید. معلمان می‌توانند با تشویق تفکر انتقادی و همدلی، به رشد اخلاقی کمک کنند یا با

تبعیض و سخت‌گیری‌های نامعقول، آن را مختل سازند. همزمان، گروه همسالان، به‌ویژه در دوران نوجوانی، به یک مرجع قدرتمند برای تأیید یا رد رفتارها تبدیل می‌شود. فشار همسالان می‌تواند فرد را به سمت رفتارهای مثبت (مانند مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه) یا منفی (مانند قانون‌شکنی) سوق دهد و معیارهای اخلاقی فرد را به چالش بکشد.

در سطحی کلان‌تر، فرهنگ، جامعه و رسانه‌ها قرار دارند. هنجارهای اجتماعی، قوانین مدنی، ارزش‌های غالب در یک فرهنگ (مثلاً تأکید بر فردگرایی یا جمع‌گرایی) و وضعیت اقتصادی، همگی بر چارچوب اخلاقی افراد تأثیر می‌گذارند. جامعه‌ای که فساد در آن رواج دارد، ممکن است آستانه حساسیت افراد به رفتارهای غیراخلاقی را کاهش دهد. رسانه‌ها با ارائه الگوها و روایت‌های خاص، می‌توانند مفاهیم «موفقیت» و «زندگی خوب» را بازتعریف کنند و بر اولویت‌های اخلاقی افراد (مثلاً ترجیح دادن ثروت به هر قیمتی بر صداقت) اثر بگذارند.

محیط علاوه بر شکل‌دهی اخلاقیات، در «بروز استعدادها» نیز نقشی حیاتی دارد. استعدادها (مانند هوش موسیقایی، ورزشی، هنری یا حتی استعداد در مدیریت و رهبری) اغلب ریشه‌های ژنتیکی دارند، اما بدون محیط مناسب، این پتانسیل‌ها هرگز به «توانایی» واقعی تبدیل نمی‌شوند. محیط به دو صورت عمل می‌کند: فراهم‌کننده فرصت و کاتالیزور. یک کودک با استعداد ذاتی موسیقی، اگر هرگز به یک ابزار موسیقی دسترسی نداشته باشد یا در محیطی باشد که هنر را بی‌ارزش می‌داند، استعدادش شکوفا نخواهد شد. برعکس، محیطی که سرشار از محرک‌های مناسب، تشویق (از سوی خانواده و مربیان) و فرصت‌های آموزشی است، می‌تواند یک گرایش ذاتی ضعیف را به یک مهارت برجسته تبدیل کند.

محیط حتی می‌تواند بر استعداد بروز ویژگی‌های شخصیتی مانند «تاب‌آوری» یا «پرخاشگری» نیز تأثیر بگذارد. فردی ممکن است به صورت ژنتیکی مستعد اضطراب باشد، اما یک محیط امن و حمایتگر می‌تواند

ایران یکی از قدیمی ترین تمدن های قانون مدار جهان است و سیر تاریخی حقوق ایران به چند دوره تقسیم میشود.

#### ۱. دوره باستان:

در دوران ایلامی ها و بعد مادها و هخامنشیان، نوعی عدالت شاهی وجود داشت. کوروش کبیر منشوری صادر کرد (منشور کوروش، حدود ۵۳۹ قبل از میلاد) که اولین سند شناخته شده از حقوق بشر در تاریخ به شمار می رود.

در دوران ساسانیان، دستگاه حقوقی پیشرفته ای وجود داشت: قاضی (دادور)، وکلا، قوانین مربوط به مالکیت، ارث، ازدواج و جزا. منبع اصلی: "ماتیکان هزار داتستان" (مجموعه قوانین ساسانی). از افراد سرشناس این دوره می توان به انوشیروان دادگر که یکی از پادشاهان بزرگ ساسانی بود اشاره کرد.

#### ۲. دوره اسلامی

بعد از ورود اسلام (قرن ۷ میلادی)، حقوق ایران با فقه اسلامی ترکیب شد. قوانین بیشتر بر پایه شریعت (فقه امامیه) نوشته می شدند. تا قرن ها، دادگاه ها بر اساس احکام شرعی قضاوت می کردند.

#### ۳. دوره قاجار و مشروطه

در قرن ۱۹ میلادی، با ارتباط ایران و اروپا، مفهوم قانون مدرن وارد ایران شد. در سال ۱۲۸۵ ه.ش (۱۹۰۶ م)، انقلاب مشروطه باعث تدوین اولین قانون اساسی ایران شد. یعنی برای اولین بار، قدرت پادشاه محدود شد و قانون رسمی تصویب شد.

#### ۴. دوره پهلوی تا امروز

در دوران پهلوی، بسیاری از قوانین مدرن (مثل قانون مدنی، کیفری، تجارت) با الهام از حقوق فرانسه نوشته شدند. بعد از انقلاب ۱۳۵۷، نظام حقوقی ایران بر اساس فقه اسلامی + قانون مدنی مدرن تنظیم شد، که اکنون هم همین ترکیب ادامه دارد.

معرفی کتاب: تاریخ حقوق ایران دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی

تاریخ حقوق ایران پروفسور سید حسن امین

از بروز شدید آن جلوگیری کند. در مقابل، یک محیط استرس زا و ناامن می تواند همان استعداد ژنتیکی را «فعال» کرده و به یک اختلال بالینی تبدیل کند. این مفهوم در علم «اپی ژنتیک» نیز بررسی می شود، که نشان می دهد چگونه تجربیات محیطی می توانند نحوه بیان ژن ها را (بدون تغییر در خود DNA) تغییر دهند و بر برویژگی ها تأثیر بگذارند.

در نتیجه، اگرچه وراثت ممکن است «آنچه می توانیم باشیم» را محدود یا مستعد سازد، اما این محیط است که تا حد زیادی «آنچه می شویم» را تعیین می کند. ویژگی های اخلاقی ما تقریباً به طور کامل در بستر تعاملات اجتماعی و الگوهای محیطی ساخته می شوند و استعداد های بالقوه ما برای شکوفا شدن، نیازمند خاک حاصلخیز فرصت، تشویق و منابعی هستند که تنها محیط می تواند آن ها را فراهم آورد. از این رو، مسئولیت خانواده ها، نظام های آموزشی و کل جامعه در ایجاد محیط هایی سالم و غنی که فضیلت های اخلاقی را پرورش داده و به هر فرد اجازه می دهد تا بهترین نسخه بالقوه خود باشد، بسیار سنگین و سرنوشت ساز است.

#### تاریخچه حقوق در ایران

خیلی ها علوم انسانی را به حقوقش می شناسند. چه بسا بسیاری از دانش آموزان این رشته نیز میخواهند در این شاخه تحصیل و بعد از آن به شغل وکالت، قضاوت و... نائل شوند. هر چند که رشته های دیگر هم از اهمیت بالایی برخوردار اند و متقاضیان زیادی هم دارند. اما در این کارگروه هدف ما آشنا کردن دانش آموزان با رشته حقوق است تا کسانی که به این رشته علاقه دارند، هم اطلاعات بیشتری کسب کنند و هم بتوانند انتخاب درستی در آینده داشته باشند. در این مقاله به تاریخچه حقوق در ایران می پردازیم و سعی می کنیم پس از آن به بزرگان این رشته، کتاب های سرشناس و تاریخ شفاهی وکالت در ایران بپردازیم در پایان هر مقاله با توجه به موضوع کتاب هایی را معرفی می کنیم که در صورت علاقه مند بودن به مطالعه بیشتر میتوانید به آنها رجوع کنید.

ضعف نشان ندادن در مقابل دشمن، عدم شکوه به مردم، حفظ عزت و کرامت و ...، از ویژگی‌های صبر جمیل زینبی است. در تمام این مصائب حضرت زینب (س) بر نفس خود مسلط بود و هرگز بی‌تابی، جزع و فزع نکرد، عنان و اختیار خود را از دست نداد، رفتار ناپسندی از خود نشان نداد که عزت و کرامتش لطمه ببیند؛ بلکه همیشه قوی و قدرتمند در صحنه مصیبت حاضر شد.

۲. بیان خطبه در برابر دشمنان: حضرت زینب (س) بعد از حادثه عاشورا، با سلاح صبر جمیل توانست مانند کوهی استوار در مقابل دشمنان بایستد و در فرصت‌های مناسب، با شناخت موقعیت‌ها به ایراد خطبه‌های انقلابی و مقاومتی پردازد تا از این طریق رسالت خود را در پیام‌رسانی و حفظ قیام عاشورا انجام دهد. خطبه انقلابی و مقاومتی آن حضرت در بازار کوفه، در شرایطی که دو روز قبل در روز عاشورا آن همه مصیبت دیده بود، آن‌چنان کوبنده، عمیق و محکم بیان شد که گویا مردم کوفه دوباره صدای خطبه‌های علی (ع) را می‌شنیدند. همه دچار حیرت شدند و صدای گریه آنان بلند شد. این خطبه آن‌چنان در عمق وجود افراد اثر گذاشت که منشأ تغییر و تحول بزرگی در مردم کوفه شد و زمینه انقلاب مردم علیه ابن‌زیاد را فراهم کرد. در شام نیز وقتی یزید آن اشعار کفرآمیز را خواند، حضرت زینب (س) باتلاوت آیه ۱۰ سوره روم، همچون شیرزنی خشمگین جوابی دندان شکن به گردن‌کشی‌ها و بلندپروازی‌های یزید داد. حضرت زینب (س) در کوفه مردم را مورد خطاب قرار داد، اما در شهر شام به صورت مستقیم به یزید حمله کرد و این سخنان کوبنده را به یزید و کارگزاران حکومتی او بیان داشت که این دلیل بر موقعیت شناسی دقیق آن حضرت است. صلابت، هیبت، شجاعت، قاطعیت، حکمت و ... در خطبه‌های حضرت زینب (س) برخاسته از روحیه ایمان، اعتماد به خدا و صبر جمیل آن حضرت است که او را به عنوان الگوی جاودانه و ماندگار معرفی نموده است.

۳. صبر و مقاومت بر محور دین و ولایت: آنچه که باعث شد از میان افراد صبور، حضرت زینب (س) به عنوان قهرمان صبر و مقاومت و «نماد صبر جمیل»

## صبر حضرت زینب (س) از دیدگاه قرآن

((إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ))

ترجمه: به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است». سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است»

این آیه بیان می‌کند که استقامت و پایداری در ایمان مهم است و این استقامت، زمینه‌ساز آرامش درونی و اعتماد به خداست و موجب سعادت ابدی بشر می‌شود.

یکی از مصادیق این آیه شریفه حضرت زینب (س) است. مصائب حضرت زینب (س) در تمام تاریخ کم نظیر است. آن حضرت در برابر تمام مصائب، نمونه و تجسم عالی صبر بود. مقاومت و شکیبایی در راه پاسداری از حریم دین و ولایت، انجام وظیفه خویش به مقتضای عقل و شرع، کنترل نفس خود در برابر ناملازمات، ضعف نشان ندادن در مقابل دشمن، عدم شکوه به مردم، حفظ عزت و کرامت و ...، از ویژگی‌های صبر زینبی است.

بر اساس آموزه‌های دینی صبر جمیل، صبری است که برای رضای خدا باشد، تداوم داشته باشد، شکوه و بی‌تابی در آن نباشد، هرگز یأس و ناامیدی در آن راه پیدا نکند، به کفر و ناسپاسی منجر نشود، موجب ذلت و خواری نگردد و افزون بر اراده و انگیزه درونی، از امدادهای الهی استمداد گرفته شود. نگاهی به زندگی حضرت زینب (س)، گواه بر این است که زندگی و حیات آن حضرت آمیخته با صبر جمیل بوده است که در اینجا به اختصار به بعضی از جلوه‌های آن اشاره می‌کنیم.

۱. مقاومت در برابر مصیبت‌ها: مصائب حضرت زینب (س) در تمام تاریخ کم نظیر است. آن حضرت در برابر تمام مصائب، نمونه و تجسم عالی صبر جمیل بود. مقاومت و شکیبایی در راه پاسداری از حریم دین و ولایت، انجام وظیفه خویش به مقتضای عقل و شرع، کنترل نفس خود در برابر ناملازمات،

## تأثیر اقتصادی مکانیزم ماشه بر فروش نفت ایران

مکانیزم ماشه یکی از بحث‌هایی است که در سال‌های اخیر خیلی درباره آن صحبت شده است. مکانیزم ماشه در واقع بخشی از توافق برجام بود که اگر یکی از کشورهای عضو توافق احساس کند ایران به تعهداتش عمل نکرده، می‌تواند آن را فعال کند و دوباره تحریم‌ها برگردد. این مسئله تأثیر زیادی روی فروش نفت ایران گذاشت و باعث شد درآمد کشور کاهش پیدا کند.

قبل از اینکه مکانیزم ماشه مطرح شود و تحریم‌ها دوباره برگردد، فروش نفت ایران بهتر بود. در سال‌های قبل از بازگشت تحریم‌ها، ایران توانسته بود مقدار زیادی نفت به کشورهای مختلف بفروشد و درآمد خوبی هم به دست بیاورد. این درآمدهای نفتی باعث می‌شد وضعیت اقتصادی کشور بهتر باشد، چون دولت می‌توانست با پول نفت برای مردم خدمات بیشتری فراهم کند. مثلاً بودجه آموزش، بهداشت و ساخت و سازها بهتر تأمین می‌شد.

اما بعد از مکانیزم ماشه و برگشتن تحریم‌ها، شرایط تغییر کرد. کشورهایی که از ایران نفت می‌خریدند، به دلیل ترس از تحریم آمریکا خریدشان را کم کردند یا کامل قطع کردند. این باعث شد مقدار فروش نفت ایران خیلی کم شود و پولی که از فروش نفت وارد کشور می‌شد نیز کاهش پیدا کند. وقتی درآمد نفتی کم می‌شود، دولت نمی‌تواند مثل قبل هزینه کند و این روی زندگی مردم نیز اثر می‌گذارد. قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند و ارزش پول ملی پایین می‌آید. در نتیجه، مکانیزم ماشه تأثیر منفی زیادی بر فروش نفت و اقتصاد ایران گذاشت.

باشد، این است که آن حضرت در تمام مراحل مبارزاتی، بر محور دین و ولایت صبر و مقاومت کرد. او در انجام رسالت خود در دوران پراز و نشیب اسارت کاری انجام نداد که برخلاف دستورات دین یا برخلاف نظر امامت و ولایت باشد. حضرت زینب (س) تسلیم محض امامت بود، چه در دوران امام حسین (ع) و چه در دوران امام سجاد (ع) حتی در لحظه‌ای که خیمه‌ها را آتش زدند، نزد آن حضرت آمد و از امام کسب تکلیف کرد. بنابراین یکبار از جلوه‌های صبر جمیل حضرت زینب (س) در ولایتمداری اوست. او در زمینه ولایتمداری، ثابت قدم و استوار بود؛ حتی ذره‌ای در این مسیر کوتاه نیامد و همواره در معرفی آنان کوشید و حتی فرزندان را در این راه تقدیم کرد. ۴. صبر توأم با معرفت و بصیرت: حضرت زینب کبری (س) که در خانه وحی تربیت شده و در دامان ولایت علوی و فاطمی رشد پیدا کرده بود، از همان دوران کودکی نشانه‌های ایمان و معرفت و بصیرت در او نمودار بود و در دورانی که مسئولیت سنگین نهضت عاشورا را بر عهده گرفت، توانست با همان صبر جمیل، صبر توأم با معرفت و بصیرت الگویی برای همگان باشد. وی در روز عاشورا با طمأنینه و آرامش بدن‌های قطعه قطعه شش برادر، دو فرزند و ده‌ها نفر از بستگان و یاران باوفای حضرت سیدالشهدا (ع) را مشاهده کرد و در کوفه در مقابل خودخواهی‌های عبیدالله بن زیاد و در شام در مقابل ترندهای یزید با صلابت ایستادگی کرد تا تکلیف خود را در برابر خدا و ولی خدا ادا کرده باشد و ظالمان را رسوا و نهضت امام حسین (ع) را زنده نگه دارد.

این همان «صبر جمیل» است که زینب کبری نماد برجسته و ماندگار آن است. این بانوی بزرگوار در همه عرصه‌های خانوادگی، سیاسی و اجتماعی و در تمام عصرها و زمان‌ها، الگوی کاملی برای مقاومت و پایداری است. او سرفراز و بلندقامت ایستاد و مسیر زندگی در ناملایمات را با رفتار و گفتار خود تعریف کرد. او به همگان آموخت که می‌توان در برابر ظالمان ایستاد و سرخم نکرد. مجموع این عوامل است که حضرت زینب (س) را تبدیل به نماد استقامت و صبر کرده است.

